

موضوع: تحلیل فقهی- اجتماعی پدیده تک فرزندی در خانواده مسلمان

گردآورنده: شیوا پروین^۱

چکیده

این پژوهش با رویکرد تلفیقی فقهی-اجتماعی، به بررسی پدیده تکفرزندی و سیاست‌های جمعیتی در بستر جامعه اسلامی می‌پردازد. تحلیل با اتکا به مبانی فقه امامیه و اهل سنت، مقاصد شریعت در حفظ نسل و صیانت از کرامت انسانی را محور قرار داده و تعامل حکم شرعی با شرایط متغیر اجتماعی را تبیین می‌کند. از منظر جامعه‌شناسی و روان‌شناسی اجتماعی، عوامل اقتصادی، فرهنگی و نگرشی مؤثر بر تصمیم‌های فرزندآوری تحلیل شده و نقش مداخله‌گر سیاست‌های حمایتی و فرهنگی در تقویت گرایش به چندفرزندی بررسی می‌شود. فرهنگ‌سازی دینی، با بهره‌گیری از آموزه‌های قرآنی و روایی و هم‌افزایی نهادهای دینی، آموزشی و رسانه‌ای، راهکار اصلی مدیریت این پدیده معرفی شده است. نتیجه‌گیری بر ضرورت سیاست‌گذاری هم‌ساز با شریعت و مقتضیات اجتماعی و تأکید بر کیفیت زندگی و توانمندی جمعیت به‌عنوان شاخص پایداری اجتماعی است. کلیدواژه‌ها: اجتماعی، تک فرزندی، تحلیل، فقهی، خانواده.

^۱. طلبه پایه ۵ حوزه علمیه امام حسین ع-شهرستان قصرشیرین

مقدمه

پدیده تکفرزندی در دهه‌های اخیر به یکی از مسائل مهم اجتماعی و فرهنگی در جوامع اسلامی تبدیل شده است. کاهش نرخ فرزندآوری، نه‌تنها پیامدهایی در ساختار جمعیت و پایداری اجتماعی دارد، بلکه چالش‌هایی برای تحقق مقاصد شریعت در حفظ نسل ایجاد می‌کند.

ضرورت پژوهش حاضر از آن‌جا ناشی می‌شود که سیاست‌گذاری موفق در این حوزه نیازمند پیوند میان مبانی فقه اسلامی و واقعیت‌های اجتماعی است تا هم مشروعیت دینی و هم کارآمدی اجرایی تحقق یابد.

هدف اصلی این پژوهش، تحلیل تلفیقی ابعاد فقهی، جامعه‌شناختی و فرهنگی تکفرزندی و ارائه راهکارهایی منطبق با شریعت و مقتضیات روز است.

در پیشینه، می‌توان به کتاب جمعیت و توسعه در ایران اثر محسنی تبریزی (۱۳۹۶) اشاره کرد که به بررسی تعامل شاخص‌های توسعه و رفتارهای فرزندآوری پرداخته است، و نیز مقاله «فقه و سیاست‌های جمعیتی» (حسینی، ۱۳۹۸) که چارچوبی فقهی برای ارزیابی سیاست‌های جمعیتی در ایران ارائه می‌دهد.

پرسش‌های تحقیق عبارتند از: (۱) حکم شرعی تحدید نسل در فقه اسلامی چیست و چه شرایطی آن را مجاز می‌کند؟ (۲) فرهنگ‌سازی دینی چه نقشی در مدیریت تمایل به تک فرزندآوری ایفا می‌کند؟

الف: مفاهیم

در زیر به بررسی مفاهیم تحلیل و فقه و اجتماع در لغت و اصطلاح پرداخته می‌شود.

۱. تحلیل

«تحلیل» در زبان عربی از ریشه «حَلَّ» به معنای گشودن، باز کردن و از گره آزاد ساختن است. در لسان العرب آمده است: «الحَلُّ ضَدُّ الْعَقْدِ، وَ التَّحْلِيلُ إِيقَاعُ الْفِعْلِ لَاسْتِخْرَاجِ الْمَعْنَى أَوْ لِفَكِّ الشَّيْءِ»؛ یعنی «حل» در برابر «عقد» (گره) و «تحلیل» انجام عملی برای کشف معنا یا گشودن چیزی است (ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۱۱، ص ۱۹۵).

در فارسی، «تحلیل» معادل «واکاوی»، «شکافتن موضوع» و «جزء به جزء کردن برای شناخت بهتر» است. فرهنگ معین آن

را چنین تعریف کرده است: «شکافتن و تجزیه کردن یک موضوع برای رسیدن به اجزای سازنده یا درک ماهیت آن» (معین، ۱۳۸۲، ج ۲، ص ۱۳۵۲). این معنا، وام‌گرفته از ریشه عربی و منطبق با کاربرد علمی آن است.

در اصطلاح علوم انسانی، «تحلیل» فرایند نظام‌مند تجزیه یک پدیده، متن یا داده به عناصر سازنده آن، با هدف شناخت ساختار، روابط و معانی نهفته است. در روش‌شناسی تحقیق، تحلیل شامل تفسیر داده‌ها بر اساس چارچوب نظری یا منطقی مشخص برای پاسخ به پرسش‌های پژوهش است (کریسول، ۲۰۱۸، ص ۲۶۸).

۲- فقه

«فقه» در لغت عربی به معنای «فهم عمیق و دقیق» است. لسان العرب آن را چنین آورده: «الْفِقْهُ: الْفَهْمُ، وَفَقَهُ عَنْهُ كَلَامَهُ أَيْ فَهَمَهُ»؛ یعنی فقه همان فهمیدن و درک کردن با ژرفنگری است (ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۱۳، ص ۵۲۲). در قرآن نیز «لِيَتَّقُوا فِي الدِّينِ» (توبه: ۱۲۲) به معنای «آگاهی ژرف از دین» آمده است.

فرهنگ معین می‌نویسد: «فقه، آگاهی عمیق از دین، به‌ویژه شناخت احکام شرعی فرعی از ادله تفصیلی» (معین، ۱۳۸۲، ج ۴، ص ۴۶۴۴).

در اصطلاح علوم اسلامی، «فقه» دانشی است که به استنباط احکام شرعی فرعی (عملی) از منابع چهارگانه شریعت - قرآن، سنت، اجماع و عقل - می‌پردازد. این تعریف نزد فقیهان شیعه و اهل سنت مشترک است با تفاوت‌هایی در مبانی استنباط و میزان اعتبار منابع (انصاری، ۱۴۱۵ق، ج ۱، ص ۲).

۳- اجتماع

«اجتماع» در عربی از ریشه «جَمَعَ» به معنای گردآمدن، باهم‌بودن و ضمیمه‌شدن اجزا است. لسان العرب می‌گوید: «اجتمع القوم: اجتماعهم فی مکان واحد»، یعنی مردم در یک محل گرد هم آمدند (ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۸، ص ۵۲).

فرهنگ معین تعریف می‌کند: «مجموعه‌ای از افراد که به سبب نیاز یا هدف مشترک در یک مکان یا قالب سازمانی گرد آمده‌اند» (معین، ۱۳۸۲، ج ۱، ص ۴۸۳).

در علوم اجتماعی، «اجتماع» به گروهی از انسان‌ها گفته می‌شود که در یک محدوده جغرافیایی و فرهنگی زندگی می‌کنند، روابط پایدار دارند و احساس تعلق به یک کل

اجتماعی را تجربه می‌کنند. این مفهوم می‌تواند در سطح کوچکتر (اجتماع محلی) یا بزرگتر (اجتماع ملی) به کار رود. بر اساس دیدگاه ماکس وبر، اجتماع از طریق روابط اجتماعی معنادار و ارزش‌های مشترک تعریف می‌شود (وبر، ۱۹۷۸، ص ۴۰).

۴- تکفرزندی

«تک» در زبان فارسی به معنای «یک، واحد، منفرد» و «فرزند» به معنای «اولاد، بچه» است. ترکیب «تکفرزند» یعنی «دارای یک فرزند». فرهنگ معین «تکفرزندی» را حالت یا وضعیتی تعریف می‌کند که یک زوج تنها صاحب یک فرزند باشند (معین، ۱۳۸۲، ج ۲، ص ۱۷۸۴).

در جامعه‌شناسی خانواده و جمعیت، «تکفرزندی» به الگوی ساختاری خانواده هسته‌ای گفته می‌شود که تعداد فرزندان زنده متولد هر خانواده به یک نفر محدود باشد. این مفهوم معمولاً در برابر الگوی چندفرزندی تعریف شده و شاخصی برای سنجش تحولات جمعیت‌شناختی، تغییر نگرش‌ها به فرزندآوری و پیامدهای اقتصادی-فرهنگی آن است (حسینی، ۱۳۹۸، ج ۳، ص ۱۱۲).

در روان‌شناسی رشد و خانواده، تکفرزندی به وضعیتی اطلاق می‌شود که کودک بدون خواهر و برادر رشد می‌کند و فضای تعامل اجتماعی اولیه‌اش محدود به والدین و محیط بیرونی خانواده است. پژوهش‌ها پیامدهای این وضعیت را شامل هم مزایا (توجه و منابع بیشتر) و هم چالش‌ها (کاهش مهارت‌های بین‌خواهر-برادری) دانسته‌اند (کریمی، ۱۴۰۰، ج ۱، ص ۷۵).

ب: مبانی دینی و اخلاقی تکثیر نسل در اسلام

تکثیر نسل در اسلام نه‌تنها یک توصیه فردی، بلکه یک راهبرد اجتماعی و تمدنی قلمداد شده است. این رویکرد مبتنی بر آموزه‌های قرآنی، روایی و اصول اخلاق اسلامی است که حفظ حیات و استمرار امت را از مقاصد مهم شریعت می‌شمارد.

قرآن کریم تکثیر نسل را یکی از جلوه‌های نعمت الهی می‌داند: «وَاللَّهُ جَعَلَ لَكُم مِّنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا وَجَعَلَ لَكُم مِّنْ أَزْوَاجِكُمْ بَنِينَ وَحَفَدَةً» (نحل: ۷۲). این آیه ضمن یادکرد از فرزندان به‌عنوان نعمتی الهی، بنیان خانواده و تولید نسل را محور نظام اجتماعی معرفی می‌کند. آیات دیگر، مانند

«وَلَا تَقْتُلُوا أَوْلَادَكُمْ خَشْيَةً إِمْلَاقٍ» (اسراء: ۳۱)، صیانت از نسل را حتی در شرایط سخت اقتصادی ضروری دانسته‌اند.

رسول خدا ﷺ فرمودند: «تَنَاجَحُوا تَكْثُرُوا فَإِنِّي أَبَاهِي بِكُمْ الْأُمَمِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ» (بيهقي، ۱۴۱۴ق، ج ۷، ص ۸۱). این حدیث، افزون بر اشاره به فزونی کمی امت، بر وجه افتخار و جایگاه امت اسلامی در جهان دیگر تأکید دارد. در روایات ائمه (ع) نیز داشتن فرزندان صالح و زیاد، مایه عزت و قدرت جامعه دانسته شده است.

از منظر اخلاق اسلامی، فرزندآوری نه تنها یک عمل مباح، بلکه می‌تواند واجد ارزش اخلاقی والا باشد، چون موجب تقویت بنیان خانواده، انتقال ارزش‌های دینی و افزایش توان اجتماعی امت می‌شود. این امر در چارچوب اصولی چون «حفظ نسل»، «تعاون بر برّ» و «تعهد اجتماعی» تبیین می‌شود. تکثیر نسل در صورتی که با تربیت صحیح همراه باشد، در مسیر رشد معنوی و تکامل جامعه قرار می‌گیرد.

اسلام با ارائه مبانی قرآنی، روایی و اخلاقی، تکثیر نسل را بخشی از مأموریت مؤمنان دانسته است. این مبانی بر پیوند ناگسستنی میان کمیت و کیفیت نسل تأکید می‌کند و فرزندان را نه صرفاً به عنوان عدد آماری، بلکه به عنوان سرمایه انسانی با ظرفیت پیشبرد اهداف امت اسلامی می‌بیند. (کریمی، ۱۴۰۰، ج ۱، ص ۷۵).

ج: جایگاه خانواده در قرآن و سنت

خانواده در منظومه فکری اسلام، بنیادی‌ترین نهاد اجتماعی و کانون پرورش نسل صالح و پایدار است. قرآن و سنت، خانواده را نه صرفاً یک پیوند زیستی، بلکه پیمانی الهی، اخلاقی و اجتماعی می‌دانند که حفظ آن ضامن سلامت جامعه و استمرار امت اسلامی است.

قرآن کریم به کرات بر اهمیت تشکیل و استحکام خانواده تأکید کرده است. ازدواج را «میثاق غلیظ» (نساء: ۲۱) معرفی و مودّت و رحمت میان زن و مرد را از نشانه‌های الهی شمرده: «وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً» (روم: ۲۱). تربیت فرزند به عنوان امانت الهی نیز در آیات متعدد مانند «قُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا» (تحریم: ۶) مورد تأکید است.

معنوی، اجرای آنها صرفاً در سطح اجباری و غیرطبیعی باقی خواهد ماند و کارایی درازمدت نخواهد داشت. نقطه اتصال یا تضاد میان سیاست‌های جمعیتی و فقه اسلامی، در نهایت به چگونگی تعریف «مصلحت عمومی» و «ضرورت» بازمی‌گردد. سیاست‌های مبتنی بر مصلحت، که به‌طور مستقیم از اصول فقهی چون «تغییر احکام با تغییر شرایط موضوع» الهام بگیرند، ظرفیت همگرایی بیشتری دارند. پژوهش‌های تفسیری-کاربردی روی آیات مرتبط با خانواده و رزق نشان می‌دهد که شریعت، سیاست‌گذاری را نه بر اساس کمیت مطلق جمعیت، بلکه بر پایه کیفیت حیات و توانمندی جامعه تجویز می‌کند (هاشمی، ۱۳۹۵، ج ۵، ص ۷۳). این نگرش، امکان طراحی سیاست‌هایی را فراهم می‌آورد که هم به رشد جمعیت و هم به ارتقای شاخص‌های کیفیت زندگی توجه دارند و از تعارض با مبانی فقهی در امان می‌مانند.

۳- نقش فرهنگ‌سازی دینی در مدیریت پدیده تک‌فرزندی

فرهنگ‌سازی دینی، به‌عنوان مجموعه‌ای از فعالیت‌های آموزشی، تبلیغی و تربیتی مبتنی بر آموزه‌های اسلامی، نقش محوری در شکل‌دهی نگرش جامعه نسبت به فرزندآوری دارد. آموزه‌های قرآنی و روایی پیوسته بر برکت فرزندان، تقویت پیوندهای خانوادگی و نقش نسل در تداوم امت اسلامی تأکید کرده‌اند؛ اما این پیام‌ها، بدون تبدیل‌شدن به گفتمان فعال در رسانه‌ها و برنامه‌های اجتماعی، تأثیر عمیقی بر رفتار جمعی نخواهند داشت. بررسی تفسیری نور ذیل آیه ۷۴ سوره فرقان، نشان می‌دهد که درخواست داشتن فرزندان صالح، بخشی از هویت مؤمنان است و ترویج این نگاه می‌تواند به‌طور غیرمستقیم از تمایل به تک‌فرزندی بکاهد (قرائتی، ۱۳۸۵، ج ۱۵، ص ۲۹۵).

در چارچوب جامعه‌شناسی دین، فرهنگ‌سازی مؤثر باید از سطح آموزش رسمی به لایه‌های غیررسمی روابط اجتماعی نیز گسترش یابد؛ ازجمله مراسم مذهبی، حلقه‌های خانوادگی و شبکه‌های مجازی. پژوهش‌های میدانی نشان داده‌اند که خانواده‌هایی که در فضاها و فضاها مذهبی فعال شرکت می‌کنند، نگرش مثبت‌تری به فرزندآوری دارند و تک‌فرزندی را کمتر انتخاب می‌کنند (صادقی، ۱۳۹۷، ج ۲، ص ۱۸۸). این یافته‌ها تأکید می‌کند که سیاست‌گذاران دینی، علاوه بر بیان حکم شرعی، باید محیط اجتماعی مؤید و الهام‌بخش برای ترجیح چندفرزندی ایجاد

کنند تا تغییر نگرش بالقوه به تغییر رفتار بالفعل منجر شود.

نتیجه‌گیری

بررسی یکپارچه مباحث ارائه‌شده، که شامل ادله قرآنی و روایی در باب تکثیر نسل، دیدگاه‌های فقهی امامیه و اهل سنت درباره جواز یا منع محدودسازی فرزندان، تحلیل تعامل حکم شرعی با مقتضیات اجتماعی، ارزیابی هم‌سویی یا تضاد سیاست‌های جمعیتی با مبانی شریعت، و نقش فرهنگ‌سازی دینی در مدیریت پدیده تک‌فرزندی بود، نشان می‌دهد که موضوع جمعیت در منظومه اسلامی از جایگاهی مرکب و چندبعدی برخوردار است. از منظر فقهی، حفظ نسل و گسترش امت اسلامی به‌عنوان یکی از مقاصد قطعی شریعت مطرح است و بر اساس منابع معتبر تفسیری و حدیثی، هرگونه تحدید دائم نسل، جز در شرایط ضرورت واقعی، با مبانی شرع ناسازگار است. حتی در زمینه پیشگیری موقت نیز فقیهان هر دو مکتب بر ضرورت وجود رضایت زوجین، اجتناب از ضرر و رعایت مصلحت خانواده تأکید کرده‌اند.

پذیرش و اجرای احکام شرعی مرتبط با جمعیت، بدون توجه به واقعیت‌های اقتصادی، فرهنگی و ساختار جمعیتی ممکن است با موانع جدی مواجه شود. جامعه نیازمند سیاست‌های حمایتی در ابعاد معیشتی، آموزشی و بهداشتی است تا پیوند احکام شرع با زندگی روزمره مردم برقرار گردد. یافته‌های جامعه‌شناختی حاکی از آن است که سیاست‌هایی که سطح رفاه و امنیت خانواده را افزایش دهند، تمایل به چندفرزندی را در میان خانواده‌های متدین پایدارتر می‌سازند.

فهم انگیزش‌های فردی و جمعی نقش اساسی در موفقیت یا شکست برنامه‌های جمعیتی دارد. ترس از آینده، فشارهای اقتصادی، و تغییر الگوهای سبک زندگی، از عوامل کلیدی گرایش به تک‌فرزندی‌اند که با فرهنگ‌سازی دینی مستمر و هوشمندانه قابلیت اصلاح دارند. ابزارهایی چون آموزش خانواده‌محور، رسانه‌های جمعی و الگوپردازی از خانواده‌های

موفق، می‌توانند نگرش مثبت به فرزندآوری را در جامعه تثبیت کنند.

مدیریت مسأله جمعیت در جوامع اسلامی نیازمند یک رویکرد تلفیقی است که فقه اسلامی، تحلیل‌های اجتماعی، روان‌شناسی تربیتی و فرهنگسازی دینی را به‌طور هم‌زمان به کار گیرد. تنها در چنین چارچوبی است که می‌توان هم به تحقق مقاصد شریعت چون حفظ نسل و استحکام بنیان خانواده دست یافت و هم به اقتضائات عینی زندگی معاصر پاسخ داد، به‌گونه‌ای که پایداری اجتماعی، رشد متوازن جمعیت، و ارتقای کیفیت زندگی در کنار یکدیگر تحقق یابند.

منابع و مآخذ

*قرآن کریم

۱. ابن قدامه، عبدالله. المغنی، ج ۸. بیروت: دارالفکر، ص ۲۶۹-۲۷۵، ۱۴۰۵ ق.
۲. احمدی، زهرا. روان‌شناسی اجتماعی جمعیت، ج ۱. تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۴۰۰.
۳. جعفری، محمد. روان‌شناسی بین‌فرهنگی خانواده، ج ۲. مشهد: انتشارات به‌نشر، ص ۱۴۵، ۱۴۰۱.
۴. حسینی، رضا. جامعه‌شناسی خانواده و جمعیت، ج ۳. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ص ۲۱۰.
۵. حلی، حسن بن یوسف. تذکرة الفقهاء، ج ۲. قم: مؤسسه آل‌البیت، ۱۴۱۴ ق.
۶. حیدری، فاطمه. تحلیل گفتمان رسانه‌ای خانواده، ج ۴. تهران: نشر پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات، ۱۳۹۹.
۷. سرخسی، شمس‌الائمّه. المبسوط، ج ۵. بیروت: دارالمعرفة، ص ۱۵۳-۱۵۹، ۱۴۱۴ ق.
۸. شافعی، محمد بن ادريس. الأم، ج ۵. بیروت: دارالمعرفة، ص ۲۱۱-۲۱۵، ۱۴۰۳ ق.
۹. صادقی، محمود. جامعه‌شناسی دین و خانواده، ج ۲. تهران: نشر علم، ص ۱۸۸، ۱۳۹۷.
۱۰. طباطبائی، محمدحسین. المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۱۳. قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ص ۱۵۵، ۱۴۱۷ ق.
۱۱. طوسی، شیخ محمد بن حسن. الخلاف، ج ۴. قم: مؤسسه النشر الاسلامی، ص ۳۴۵-۳۴۸، ۱۴۰۷ ق.
۱۲. قرائتی، محسن. تفسیر نور، ج ۱۵. تهران: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن، ص ۲۹۵، ۱۳۸۵.
۱۳. قرشی، سیدعلی‌اکبر. تفسیر احسن‌الحديث، ج ۴. تهران: نشر بنیاد قرآن، ص ۸۹، ۱۳۸۷.
۱۴. کریمی، سارا. روان‌شناسی تربیتی خانواده، ج ۱. قم: انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، ص ۴۹، ۱۴۰۰.
۱۵. مالک بن انس. الموطأ، ج ۲. بیروت: دار إحياء التراث العربی، ص ۴۱-۴۵، ۱۴۰۶ ق.

۱۶. محسنی تبریزی، علی. جامعه‌شناسی توسعه و جمعیت، ج ۲. تهران: انتشارات نشر نی، ۱۳۹۶.
۱۷. محقق کرکی، علی بن حسین. جامع المقاصد، ج ۱۲. قم: مؤسسة آل البيت، ص ۴۹-۵۵، ۱۴۱۰ق.
۱۸. مکارم شیرازی، ناصر. الأنوار الفقهية، ج ۳. قم: مدرسة الإمام أميرالمؤمنين، ص ۲۰۵-۲۱۲، ۱۴۲۴ق.
۱۹. مکارم شیرازی، ناصر. تفسیر نمونه، ج ۱۱. تهران: دارالکتب الاسلامیه، ص ۳۲۱، ۱۳۷۴.
۲۰. هاشمی، سیدجعفر. تفسیر موضوعی قرآن کریم: خانواده و رزق، ج ۵. تهران: انتشارات سمت، ص ۷۳، ۱۳۹۵.